

# خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران

## عرفان شیعی

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۳۹/۰۵/۲۰ هجری قمری مقارن با ۱۳۹۶/۱۱/۱۸ هجری شمسی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وآله آل الله واللحن على اعدائهم اعداء الله من الان الى يوم لقاء الله.

تبریک عرض می کنم ایام مبارک دهه فجر را که این بحث هم بیشتر به مناسبت زمان، که در ایام دهه فجر هستیم طراحی شد. عنوانی که برای این جلسه برای حقیر در نظر گرفته شده اینست: خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران و عرفان شیعی. به رسمی که حقیر در اینگونه جلسات دارم مقدماتی را خدمت عزیزان عرض می کنم بعد هم به صلب بحث و اصل بحث پردازیم. مقدمه اول این است که عنوان ما ترکیبی است. طبیعی است که باید ببینیم این عنوان ترکیبی از چه اجزایی ترکیب پیدا کرده. این عنوان رو به ۵ جز می توانیم تقسیم کنیم: انقلاب اسلامی ایران. عرفان شیعی خدمات انقلاب اسلامی ایران. خدمات عرفان شیعی و خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران و عرفان شیعی. این ۵ جز از اجزاء تشکیل دهنده عنوان بحث ماست. مقدمه دوم: از انقلاب اسلامی ایران، مقصود من انقلاب مرحوم امام است که به تعبیر مقام معظم رهبری این انقلاب بدون نام خمینی در هیچ کای جهان شناخته شده نیست. انقلابی که مبدا اولیه اش سال ۴۲ بود، استارت دومش در سال ۵۶ بود. پیروزی آن در سال ۵۷، ۲۲ بهمن. قهرا از عمر مبدا اولش ۵۴ سال می گذره. از عمر مبدا دوم آن ۳۹ سال ۴۰ سال حدودا می گذره. مراد ما از انقلاب اسلامی ایران دقیقا مشخص است. گر چه ما نیم نگاهی به سه انقلاب و سه حرکت اخیر هم خواهیم داشت، یعنی حرکت مشروطه خواهی به سردمداری مرحوم آخوند خراسانی، حرکت ملی شدن نفت به سردمداری مرحوم کاشانی. و حرکت مرحوم مدرس در مبارزه با رضاخان. حرکت این ۳ در حرکت ملت ایران بی تاثیر نبوده لذا نیم نگاهی به این انقلاب ها و این حرکت ها هم خواهیم داشت. ولی مقصود ما از انقلاب اسلامی ایران همون بود که عرض کردم.

مقدمه سوم: مقصود من از عرفان شیعی عرفانی است که مورد قبول عارفان شیعی است در بُعد نظر و در بُعد عمل که این عرفان در قرن اخیر بیشتر در دو مکتب خودنمایی کرده: یکی مکتب نجف به ریاست مرحوم سیدعلی شوشتری و مرحوم مولی حسینقلی همدانی. و یکی مکتب اصفهان با سردمداری مرحوم بیدآبادی. که مرحوم امام به عنوان بنیانگذار انقلاب داخل در شاگردان این مکاتب عرفانی است. اعتقاد من بر آنست که ما عرفان شیعی داریم. حالا فصل مقوم عرفان شیعی چیست؟ آن شاخصه اساسی عرفان شیعی چیست؟

این خودش بحثی دارد شاید شاخصه و فصل مقوم، اعتقاد به انحصار قطب در یک زمان بوده باشد در بحث عرفان شیعی. مقدمه چهارم: گرچه انقلاب اسلامی ایران خدمات فراوانی داشته و گر چه عرفان شیعی به عنوان دانش بشری خدمات فراوانی داشته اما هیچ کدام رو معصوم نمی دانیم. اگر بحث ما از خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران و عرفان شیعی است معنایش این نیست که از کاستی ها غافلیم به این معنا که کاستی ها رو نمیپذیریم و می خواهیم عصمت برای انقلاب و برای عرفان شیعی قائل باشیم. نه. مقصود این نیست. پس گر چه به حق معتقدیم به تعبیر مرحوم امام انقلاب ما انفجار نور بود و گر چه به حق معتقدیم که عرفان شیعی بهترین روش تربیتی در ساحت فرد و جامعه است، اما از تاکید بر خدمات مردمان این نیست که حالا بحث کاستی ها مراد نبوده یا ندیده ایم. نه. در این بحث مورد توجه نیست.

مقدمه ۵: خدمات متقابل عرفان و ایران پیشینه هم دارد. اگر بخوایم به پیشینه خیلی خیلی روشنش رو مورد توجه قرار بدیم در بحث صفویه و خدمتی که تصوف و عرفان به ایران کرد و خدمتی که در آن برهه ملت ایران به عرفان کرد، قابل بررسی است. عبارتی رو از مرحوم شهید مطهری بخوانم. مرحوم شهید مطهری در بحث عرفان در خدمات متقابل می فرماید بعد از اینکه تاریخچه عرفان رو ذکر می کند میفرماید از این تاریخچه روشن شد که این شاخه فرهنگی یعنی عرفان مانند سایر شاخه ها تمام جهان اسلام را در بر گرفته است، از اندلس و مصر و سوریه و روم گرفته تا خوارزم. البته در این شاخه نیز سهم ایرانیان از نظر کمیت، قطعاً بیشتر است. عرفای بزرگ و طراز اول در میان ایرانیان ظهور کرده اند. خدمات متقابل ص ۶۶۵.

پس بحث، کاملاً بدون پیشینه هم نیست یعنی این بحث می تواند به عنوان یک بحث تاریخی هم مورد عنایت

و توجه قرار بگیره، من در سخنرانی یادم هست مقام معظم رهبری فرمودن من ناراحتم از یکسویه نگری ها و نقدهایی که بدون در نظر گرفتن خدمات صفویه به کشور ایران و به تشیع انجام می‌شود. بحث خدمات متقابل تصوف و عرفان و ایران، این پیش از انقلاب اسلامی هم کم و بیش مطرح بوده.

مقدمه ۶: ما گرچه بحث رو داریم در ساحت عرفان شیعی و انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم اما این بحث می‌تواند در ساحت دیگر هم مطرح باشه مثلاً خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران و فقه شیعی. یا خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران و کلام شیعی. اگر به اون مباحث نپرداختیم نگاه انحصار طلبانه نداریم. خواستیم فعلاً از این زاویه بحث رو در نظر بگیریم

مقدمه دیگر اینکه به نظر میرسه این بحث ما بحث مهمی است. سر مساله هم آنست که اگر در برهه ای حوزه های ما جامعه فرهیختگانی ما آمدن به این سمت و سو که با کمونیزم مقابله کنند چون خطر نفوذ کمونیست در ایران زیاد بود، امروزه بحث عرفان های نوظهور، عرفان های وارداتی، معنویت های کاذب بسیار تاثیرگذاره. و لذا باید به بحثهای عرفانی این چنینی پرداخت. به خاطر اهمیتی که دارد.

مقدمه دیگر این است که ما در این بحث علی القاعده در دو ساحت باید بحث رو مطرح کنیم یکی در ساحت خدمات انقلاب اسلامی ایران به عرفان شیعی. یکی در ساحت خدمات عرفان شیعی به انقلاب اسلامی ایران. هر دو ساحت رو من جدا مورد بررسی قرار دادم که خدمت عزیزان عرض می‌کنم. فعلاً بحث ما در ساحت نخست است یعنی خدمات انقلاب اسلامی ایران به عرفان شیعی. انقلاب امام خمینی چه خدماتی به عرفان شیعی داشته؟ ۱۷ خدمت رو من در اینجا رصد کردم که خدمت عزیزان عرض می‌کنم

مقدمتا نکته ای را عرض کنم پیش از انقلاب، عرفان وضعیتی اسفبار داشته یعنی اگر بخواهیم در دو سه جمله وضعیت عرفان رو پیش از انقلاب طرح و بررسی کنیم باید بگیم عرفان اولاً خانه نشین و منفور بود مرحوم امام در آن نامه ای که به جامعه مدرسین نوشتند به صراحت نوشتن که من فرزند خردسال مصطفی در مدرسه فیضیه با کاسه ای با لیوانی آب خورد و طلاب آن لیوان را آب کشیدن که چرا؟

که این پدرش اهل عرفان است. یعنی وضع این بود. عرفان خانه نشین و منفور بود. آن بخشی از عرفان که خانه نشین نبود متبلور در تصوف منحرف بود تا جایی که شاه به صراحت می‌گفت من صوفی هستم بسیاری از مقامات دربار با خانقاه و تصوف ارتباط داشتند. ان عرفان اصیل، خانه نشین بود و منفور. اون عرفانی که برند بود تصوف منحرف بود و همراه با خرافات. این وضعیت عرفان و تصوف قبل از انقلاب اما خدماتی که انقلاب اسلامی به عرفان شیعی کرد

یک: بیرون آمدن عرفان و گرایشات عرفانی از زوایای خمول و گمنامی. عرفان در گوشه ها و زاویه ها بود بیرون آمدنش از گمنامی و از زوایای خمول، این کار انقلاب اسلامی ایران بود  
دو: کشیده شدن عرفان به سطح حکومت به نحو صحیح، نه به صورت منفعت گرایانه. مثل آنچه که در صفویه و اسماعیلیه و باطنیه اتفاق افتاد. قبلاً هم در برخی از مقاطع زمانی، عرفان و تصوف به سطح حکومت کشیده شد، اما منفعت طلبانه. در انقلاب اسلامی ما عرفان به سطح حکومت کشیده شد به نحو صحیح نه به صورت منفعت گرایانه

سوم: کشیده شدن عرفان از سطح خواص به سطح توده. عرفان در گذشته چه در بعد نظر چه در بعد عمل مربوط به عده ای بود. اینکه همگانی بشود عمومی بشود در سطح توده رقم بخوره، این از برکات انقلاب اسلامی ایران بود. یه اختلاف نظری مرحوم آیت الله خوشوقت رحمت الله علیه با استاد ما مرحوم علامه طهرانی داشتند مرحوم آقای خوشوقت نقد می‌کردند مرحوم علامه طهرانی را که ایشان عرفان را عمومی کرد، کشید به سطح جامعه و بازار با کتاب هاش، با رفتارش. خب مرحوم علامه طهرانی معتقد بودن این راه، عمومی هست همگانی هست از بس دیگران نرفته‌اند تبدیل به راه حاشیه ای شده. و گر نه راه عمومی است. به هر حال سر اینکه مرحوم علامه طهرانی تقریباً ۲۰ سال آخر عمرشان را گذاشتند وقف نوشتن و طرح این مباحث، هم این بود که احساس می‌کردند این عمومی شدن عرفان به برکت انقلاب مرحوم امام، باید قدر دانسته بشه و درست هدایت بشود

چهارم: کشیده شدن عرفان شیعی به سطح رسانه های دیداری شنیداری و فضاهای مجازی. من یادم هست زمان شاه صدا و سیمای طاغوت انقدر مبتذل بود که اذان ظهر رو در تهران راس ساعت ۱۲ می‌گفتند. کار نداشتن در طول فصول اذان عقب جلو میشود. گاهی ۱۲:۲۰ است گاهی مثلاً ۱۱:۵۰ است. ۱۲ ساعت اذان بود. یعنی با نماز مردم بازی می‌کردن. این زمان طاغوت. الان شما می‌بینید جناب آقای دینانی مرحوم مهندسی بزرگان کسانی که در عرفان مطلب دارند حرف دارند در فضاهای رسانه ای دیداری شنیداری این ها از برکات انقلاب است. پنجم زایش کتابها و مقالات تحقیقات و همایشها و نشستهای فراوانی با موضوع عرفان و مباحث عرفانی.

چیزی که ما این رو قبل از انقلاب نداشتیم

ششم داریم خدمات انقلاب اسلامی ایران را به عرفان شیعی عرض میکنیم: اقبال مردم به مراجع شیعی اهل عرفان مثل مرحوم امام مثل آیت الله بهجت مثل مقام معظم رهبری. در گذشته مرجع تقلید شیعه باید متکلم هم می بود مثل سید مرتضی، مثل شیخ طوسی مثل علامه حلی مثل محقق حلی بلکه گاه باید چهره کلامیش بیشتر از چهره فقهیش می بود. امروزه کأن اقتضای زمین و زمانه این شده که فقیه باید بوی عرفان بدهد. لذاست این تشییع جنازه ای که ما از مرحوم آقای بهجت داشتیم که به تعبیر عزیزانی که بودند می گفتند شهر قم کشش این جمعیت را نداشت، این اقبال به مراجع شیعی از خدمات انقلاب اسلامی ایران است

هفتم: مطرح شدن شخصیت های عرفانی به عنوان الگوهای جامعه. جامعه رفته به سمت اینکه الگو گیریش از شخصیت های عرفانی باشد. من ۱۲ نفر رو اینجا از باب نمونه اسم بردم: مرحوم آقای سید علی آقا قاضی مرحوم علامه طباطبایی مرحوم انصاری همدانی مرحوم آقا سید هاشم حداد مرحوم آقای بهجت مرحوم علامه طهرانی حضرت آقای حسن زاده آملی مرحوم آیت الله سعادت پرور مرحوم آیت الله دستغیب مرحوم آیت الله خوشوقت آیت الله حق شناس آیت الله آقا شیخ مجتبی تهرانی. یعنی جامعه در الگوگیری هاش این ذوق عرفانی و عارف مسلک بودن رو پیدا کرده

هشتم: پیدایش رشته عرفان نه عرفان و ادیان که ما از قبل داشتیم. پیدایش رشته عرفان و گسترش آن در مراکز علمی و فرهنگی مثل حوزه ها و دانشگاه ها. این به برکت انقلاب اسلامی ایران رقم خورد.

نهم: خانه نشین شدن تصوف منحرف که به اسم اسلام و عرفان نان میخورد. مستحضرید بعضی از اقطاب صوفیه بعد از انقلاب به جرم برخی از ناهنجاری های رفتاری اعدام شدند. این یعنی عرفان شیعی در حالا رخ نمایی است و تصوف باطل در حال اضمحلال است.

دهم: این دهم و یازدهم را عزیزان یه دقتی داشته باشند نزدیک شدن شریعت و طریقت از طریق بازخوانی صحیح برخی مطالب کج تاب نمایانه عرفان. ما در عرفان مطالبی داشتیم که اینها کژتابی در نمایش داشت و بد تفسیر میشد. مثل عزلت مثل صمت مثل فرامذهب بودن عشق. مثل عشق مجازی. این مطالب بازخوانی صحیح شد. با بازخوانی صحیح این مطالب، شریعت و طریقت به هم نزدیک شد. این افتخار مربوط به انقلاب اسلامی ایران است. صمت دیگر در عرفان به معنی سکوت در برابر ظلم که به انظلام تعبیر می شود معنا نمی شود. عزلت به معنای کناره گرفتن از جامعه در غاری قوری زندگی کردن فقط به فکر خود بودن معنا نمی شود. این یعنی انقلاب اسلامی ایران در بازخوانی صحیح برخی از مطالبی که کژتابی داشت در نمایش، از مطالب عرفانی، تاثیرگذار بوده و به این وسیله، شریعت و طریقت به هم نزدیک شده است.

یازدهم: نزدیک شدن شریعت و طریقت از راه گسترش کمی و تعمیق کیفی بحث اسرار الاحکام. ما بحث اسرار الاحکاممان خیلی قبل از انقلاب ضعیف مطرح می شد. بعد از انقلاب در این زمینه چه در بحث اسرار نماز اسرار عبادات اسرار حج، کتابها و مقالات را لیست می کردم، بسیار کمیت بالا کیفیت بالا این به برکت انقلاب اسلامی شد و می دانید اگر ما در بحث عبادات رفتیم به سمت اسرار یعنی داریم شریعت را با طریقت نزدیک می کنیم. یکی از شاخصه های حکومت مهدوی برداشته شدن فاصله بین شریعت و طریقت است. یعنی در زمان حجت ابن الحسن و در زمان رجعت عمده مردم سالک اند. دیگر فاصله بین شریعت و طریقت نیست. عبادات، روح دارد عشق ایجاد کرده محبت ایجاد کرده چشم باز ایجاد کرده دل باز ایجاد کرده، طبق روایات. از روایات این به

دست می آید. انقلاب اسلامی ایران این خدمت را به عرفان شیعی داشت که باب این مساله را باز کرد. دوازدهم: احیای منطقه ای بلکه جهانی عرفان شیعی. من لبنان رفتهم بحرین رفتهم امارات رفتهم عراق بودم. جاهای مختلف. این شعله عرفان که به وسیله انقلاب به قول خودشان اندلع یعنی شعله کشید این مخصوص ایران نیست، در منطقه گسترده شد بلکه در اروپا آمریکا. طبق گزارشی که ما داریم ۹۸ درصد شیعه شدن ها در اروپا و آمریکا از راه تمایلات عرفانی است. خب این تمایلات عرفانی را انقلاب اسلامی ایران رقم زده البته این مطلب طرفینی است در محور بعد عرض خواهیم کرد

سیزدهم: جمع آوری تراث عرفان اسلامی شیعی از مناطق مختلف. یک نمونه اش را که من چون این کار سکرت انجام می شود مخفی انجام می شود. یک نمونه اش را که من مستحضر هستم، بسیاری از آثار عرفانی که در کتابخانه های هند در حال از بین رفتن بود، توسط مقام معظم رهبری توسط آقای خواجه پیری به ایران منتقل شد میکروفیلم از روش برداشتند اصل نسخه منتقل شد. این جمع آوری تراث عرفانی و گردآوری ش، نسخ خطی نسخی که بعضا یک نسخه بیشتر نداشته، این از برکات انقلاب اسلامی ایران بود. عرض کردم منتها برای عدم حساسیت کشورها با چراغ خاموش این کار انجام می شود

چهاردهم: احیاء برخی مزارات عارفان در گوشه و کنار کشور. کم نداشتیم عارفانی که این ها مزاراتشان در حال نابودی بود، به برکت انقلاب اسلامی ایران این مزارات احیا شد  
پانزدهم: درخشش عرفان شیعی در برابر عرفان های رقیب. به ویژه عرفان های سنی. در پاکستان ما یک جماعتی داریم به اینها می گویند سجاده نشین ها. چند میلیون اند. اهل عرفان به همین معنا. عرفان سنی. خوب بعد از انقلاب، عرفان شیعی آنجا رشد کرد رقیب شد و این به برکت انقلاب بود

شانزدهم: رفع اتهام از عرفان شیعی. عرفان شیعی متهم بود به رخوت، سستی، مثل اصل دین، قبل از انقلاب می گفتند دین افیون جامعه است. انقلاب اسلامی آمد هم آبروی دین را خرید هم آبروی عرفان. امروزه دیگه کسی نمی تواند بگوید عرفان رخوت آمیز است. نمی تواند بگوید دین افیون جامعه است. یاد ان آیات اول سوره فتح افتادم: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِیْنًا اَللّٰهُ مَا تَقَدَّرَ مِنْ دَیْنِكَ وَمَا تَأَخَّرَ خُدا در این آیات می فرماید: ما فتح مکه رو روزی تو کردیم تا گناهت بخشیده بشود. یعنی چه؟

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید این معنایش این است که ما فتح مکه را روزی تو کردیم با فتح مکه مشخص شد لات و هبل و عزى و بت ها هیچ خاصیتی ندارند. تا دیروز که همه جزیره العرب به تو فحش می دادند که تو به خدایان بد گفتی، به مقدسات بد گفتی. با فتح مکه، شکسته شدن بتها به دست علی بن ابیطالب فروریختن بتها، مشخص شد نه بتها مقدس نیستند این گناه تو بخشیده شد، گناهی که این دارد به مقدسات ما فحش می دهد. نظیر این در جریان انقلاب انجام شد دین و عرفان متهم بود به رخوت و سستی و افیون جامعه و . انقلاب آمد گفت نه اینطور نیست

هفدهم: اثبات عملی برخی ادعاها که در گذشته اثباتش کالمحال می نمود کآن اصلاً حرفش را هم بزنیم زیادی حرف زدیم مثل سازگاری و عدم تنافی عرفان و حماسه. این را انقلاب به کرسی نشاند در حدی که استاد ما حضرت آیت الله جوادی کتاب نوشتن عرفان و حماسه اصلاً با همین عنوان کتاب خیلی خوبی هم هست. در گذشته کسی اهل عرفان بود یعنی اهل خمودی و خولی و اصلاً حماسه و جنگ و اینها نبود. انقلاب اسلامی نشان داد این ادعاها که عارفان اصیل بر آن پای می فشردند اما کسی قبول نمی کرد نه اینا قابل اثبات شد. یک نمونه عرض کنم از این ادعای باطل رد بشیم ما در شاگردان مرحوم ملا حسینقلی همدانی چهار تا آدم برجسته داریم: مرحوم ملکی تبریزی مرحوم شیخ محمد بهاری مرحوم میرزا جواد آقای تبریزی و مرحوم سید سعید حبیبی شاعر عراق. این جناب سید سعید حبیبی که در فقاقت در حد مرجعیت است، در ادبیات از اشعر شعرای عراق است. این در جنگ با انگلیس لباس رزم پوشید و رفت توی میدان. و این انسان کاملی است یعنی کسی که اسفار اربعه اش کامل است. شاگرد مرحوم مولی حسینقلی همدانی. نشان می دهد که عرفان در هویت خودش عین حماسه است عین حماسه است. عطار مگر چچطر پایان عمرش رقم خورد؟

کشته شد. شیخ شهروردی مگه چه شد؟

کشته شد. ما عرفای مقتول کم نداریم که در جنگ ها کشته شدند. ولی این اثباتش کالمحال می نمود به خاطر تبلیغات، در عصر ما انقلاب اسلامی این را ثابت کرد. این خدمات انقلاب اسلامی ایران به عرفان شیعی، آنچه که من به ذهنم رسیده. من در مقدمات این نکته را غفلت کردم عرض کنم، تطور فراوانی کردم من ببینم این بحث را کسی جایی در حد کتابی مقاله ای رساله ای، پیدا نکردم که بخواد بحث رو کسی اینگونه. خدمات انقلاب زیاد گفته شده، بحث عرفان هم زیاد شده اما خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران و عرفان شیعی، این را من ندیدم جایی، لذا بیشتر باید فکر میکردم و مطلب آماده میکردم. آمدم سراغ ساحت بعدی یعنی ساحت خدمات عرفان شیعی به انقلاب اسلامی ایران. عرفان چه خدماتی به انقلاب کرد؟

این رو هم من در پنج محور نوشتم خدمت عزیزان عرض کنم اولین محور در خدمات عرفان شیعی به انقلاب اسلامی ایران از راه تکوین و تکامل شخصیت بنیانگذارش حضرت امام خمینی رحمه الله علیه. عرفان در تکوین شخصیت مرحوم امام و تکامل بخشی به او تأثیراتی داشته که این در پیدایش انقلاب اسلامی ایران و مدیریت انقلاب اسلامی ایران تأثیر گذاشته است. من تأثیر عرفان را روی شخصیت مرحوم امام به برهه ای در یک همایشی در دفتر تبلیغات، مفصل صحبت کرده بودم هر چه دیروز و امروز گشتم اون همایش را پیدا نکردم. آنچه که الان می گویم مال تامل جدید و گر نه در اون همایش مفصل بحث شده بود. از ۵ ساحت به نظر من عرفان رو شخصیت مرحوم تأثیر گذار بوده به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی.

ساحت اول: شجاعت بخشی. عرفان شجاعت بخش است به تعبیر ابن سینا: العارف شجاع و کیف لاوهو بمعزل

ان تقيّة الموت. انسان عارف شجاع است. چرا؟

چون از مرگ ترسی ندارد. اگر همه استعداد هایش به فعلیت رسیده، این و آن طرف برایش هیچ فرقی نمی‌کند، اگر زنده جاوید کیست کشته شمشیر دوست کآب حیات قلوب از دم شمشیر اوست به قول جناب فواد کرمانی. این اصلاً در این دنیا کار زیادی ندارد، کاراش تمام است چرا بترسه؟ لذا عارف ترس ندارد. ابن سینا گفت العارف شجاع عارف شجاع است، چرا؟

وکیف لا وهو بمعزل عن تقيّة الموت از مرگ ترس ندارد. مرحوم امام سال ۴۲ رو منبر فرمودند: علما چرا بترسند؟ مراجع چرا بترسند والله تاکنون نترسیده ام. قسم خورد سید: والله تاکنون نترسیدم. این مال آن عرفان است. این را یک فقیه صرف شاید نگوید.

دوم: نگاه محبت آمیز به همه خلق خدا پیدا کردن. عارف است که لسانش این است: به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست می‌خواهد کاری بکند، برای خلقتش برای امتش. عارف است که به این روایت از بن دندان معتقد است: الخلق عيال الله: خلق عيال خداست. لذا مرحوم امام نه تنها انقلاب کردن، دنبال صدور انقلاب بودند. معتقد بودن انقلاب اگر نور است باید صادر بشود همه را بگیرد

سوم: کیاست و تیزبینی. اگر ایمان، کیاست می‌آورد که روایت داریم المومن کیس: مومن زیرک است. باز روایات دارد: اتقوا فراسة المومن فانه ينظر بنور الله از فراست مومن بهره‌یزد او با نور خدا میبیند. حالا آگه این ایمان تبدیل شد به عرفان یعنی شد پله نهم دهم ایمان، دیگه آن تیزبینی در حدی است که عارفان چون در رخ تو بنگرند، تا به قعر تار و پودت در روند. لذا میبیند. دو نمونه عرض کنم: بچه های سپاه رفتن خدمت مرحوم امام، همه نشستن رئیس شان هم نشسته. چه بخشی؟ بخش صدور انقلاب. بخش اصطلاحاً بهش می‌گفتند نهضت‌ها.

سردسته کیه؟ مهدی هاشمی میگه اصلاً مرحوم امام از اول تا آخر کان این چرا اینجاست؟ اصلاً چرا آمده؟ فانه ينظر و ابنور الله. میبیند. که این مهدی هاشمی بعداً می‌خواهد انقلاب را منحرف کند، حالا اعدام هم میشه که تو این مستند قائم مقامی دیدیم. اصلاً دل نمی‌گیرد. یکی از مسئولین کشوری که پرونده قتل های زنجیره ای به دستش بود ایشان به من می‌گفت مقام معظم رهبری به من فرمودند اخیراً هر موقع سعید امامی آمد پیش من من احساس کدورت می‌کردم. هر موقع سعید امامی پیش من. چون بچه های اطلاعات مدیرکل ها مستقیم با رهبری ملاقات دارن، ایشان میگفتن قبلاً این طور نبود ولی اخیراً اینطور شده بود تا می‌آمد من کدر می‌شدم. این فانظر و بنور الله

چهارم: سعه صدر بخشیدن. ببینید اگر ما در روایت میگیم: آله الرئاسة سعة الصدر ابرار ریاست و مدیریت این است که صدر و سینه انسان گشوده باشد تحمل کند مدیریت کند. خب این سعه صدر رو اون مقدار که عرفان به انسان می‌دهد هیچ چیز دیگری نمی‌دهد. یعنی عرفان است که می‌گوید وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم که در طریقت ما کافر است رنجیدن

عرفان است که به این سعه میرسه که من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان مقام اونجاست که فرشته حضور پیدا میکنه ناراحته. من که ملول گشتمی از نفس فرشتگان قال و مقال عالمی میکشم از برای تو این سعه صدر است. آبادان داشت سقوط می‌کرد، فرمانده های جنگ آمدن خدمت مرحوم امام جماران. این را آقای رضایی محسن آقا تعریف کرده، می‌گوید وارد شدیم مرحوم امام میخواستن نماز بخوانند همینجور ایستاده بودن، ماندیم بگیم نگیم؟

چاره ای نداشتیم، فرمانده جنگ ایشان بود، گفتیم به ایشان. ایشان خیلی محکم همان طور که ایستاده بودند فرمودند بروید در جنگ نان و حلوا پخش نمی‌کنند، محکم باشید، بعد هم انگار نه انگار ما هستیم رو به قبله الله اکبر شروع کردن به نماز. می‌گفت اینقدر ما روحیه گرفتیم اینقدر ما محکم شدیم. این سعه صدر. در آن ملاقاتی که ایشان با قائم مقام داشتند تعبیر ایشان این بود که من نوکر شما هستم از این نوکر خودتان بپذیرید درس هایتان را شروع کنید، به آیت الله منتظری گفته بودن. این سعه صدر. وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم. این مال عرفان است.

پنجم انقطاع از ماسوی الله به الله. اینها خدمات عرفان شیعی به انقلاب است از طریق تاثیرگذاری روی بنیانگذار. مرحوم امام منقطع بود واقعا منقطع بود. اخیراً مقام معظم رهبری فرمودند من بعد از هر ماه رضانی خدمت امام رسیدم - چون ماه رمضان را ایشان ملاقاتاش تعطیل بود - دیدم اینقدر این پیرمرد نورانی شده، اینقدر این سید نورانی شده انگار توی این ماه رمضان چند درجه رفته بالاتر. این مال آن انقطاع است. اینه که میتواند هشت سال

جنگ تحمیلی اداره کند، این انقطاع. خوب این پس خدمات عرفان شیعی به انقلاب اسلامی: یک از راه تکمیل و تکامل شخصیت بنیانگذارش دو: از راه همراهان عارف مسلک.

انقلاب، درسته جلودار، مرحوم امام بود اما زیر این بار رو خیلی‌ها گرفتن. تعدادی از اینها کسانی بودند که رو حیات عرفانی داشتند من نمونه نوشتم مرحوم شهید مطهری. مرحوم دستغیب. خود مقام معظم رهبری. مرحوم علامه طهرانی. حاج آقا صدرالدین حائری. حاج آقا صدرالدین حائری به خود من گفتن گفتن من تو کمیته مشترک زیر شکنجه بودم شدید. برادر امام جمعه قبلی شیراز. گفتن یه عکسی رو بازجو به من نشان می‌داد و می‌گفت تو اینو میشناسی، در موردش بگو چه می‌دانی؟ عکس کی بود؟

عکس مرحوم سید علی اندرزگو رحمت الله علیه، چریک انقلاب. ایشان گفتن من چیزی نمی‌گفتم می‌زدن. آن قدر هم زده بودن که ایشان شبکیه چشمش پاره شد و یک چشمش کور شد. گفتن یک روز که خیلی شکنجه‌ها زیاد شد و دیگه احتمال داشت من فردا نتونم زیر شکنجه طاقت بیارم و مطالب را باید دیگه می‌گفتم، سحر متوسل شدم در دلم به مرحوم علامه طباطبایی. ایشان از مرحوم علامه طباطبایی دستور سلوکی داشتند. گفتن دیدم در مکاشفه مرحوم علامه طباطبایی آمدن گوشه زندان ایستادن به من فرمودند فلانی دست راست را بگذار طرف چپ بدنت بر روی قلبت ۳۱۳ بار آیه مبارکه نور را تلاوت کن: *الله نور السماوات والأرض مثل نوره كمشكاة*. گفتن این کار رو بکن درست می‌شود. ایشان گفتن من از حال مکاشفه که در آدم دست راستم را گذاشتم رو قلبم حالا بدن خورد، چون هر روز می‌بردن دو ساعت بازجویی و شکنجه. آیات رو خوندم. فرمودن آیات که تمام شد چنان سکونی به من دست داد چنان آرامشی، گفتن فردا دو مرتبه من را بردند برای بازجویی، بازجو عوض شده بود. پرونده را باز کرد دیدیم اصلاً اون صفحه ای که مربوط بود به مرحوم آقا سید علی اندرزگو عکسش بود گزارش بود. اون صفحه اصلاً نیست تو بازجویی. مثل اینکه کسی آمده باشه این صفحه رو برداشته باشه، نبود و عمده اتهام من هم این بود که تو اینو میشناسی و لو نمی‌دهی. گفتن اصلاً رد شد از اون مرحله ما رد شدیم. فرمودن از زندان آمدم بیرون خدمت علامه طباطبایی رسیدم به ایشان گزارش کردم که آقا به کمک ما رسیدین. خیلی اعتنا نکردند. این خیلی اعتنا نکردن یعنی همان تربیت سلوکی که یه موقع شاگرد باد نکند خیال نکند خبریه. حالا مکاشفه ای بوده. گفتن اعتنایی نکردن. خب این همراه. خود ایشان به من گفتن گفتن آقای طهرانی مرحوم علامه طهرانی جلسه تهران تشکیل می‌دادند به نام جلسات تحلیف. تحلیف یعنی چی؟

گفتن افراد رو پیدا می‌کردن می‌آوردن. خیلی مخفی چون ساواک خیلی قدرتمند بود آن زمان و اینها را قسم می‌دادند که پای نهضت خمینی بایستند و دست رو قرآن بگذارند قسم بخورند. ایشان می‌گفتن هم من هم شهید دستغیب یکی دو بار تو زندان نزدیک بود نتوانیم طاقت بیاریم، تا می‌آمدیم حرفی بزنیم میدیدم کان محمدحسین با قرآن ش و ایستاده ما رو تحلیف می‌دهد. این تاثیرگذاری عرفان روی همراهان مرحوم امام بود.

خب سوم از راه تمهید و مقدمه سازی پیشینیان نزدیک به انقلاب. عرفان شیعی تاثیرگذار بود در انقلاب اسلامی از این راه. یعنی از راه مقدمه سازی پیشینیان نزدیک به انقلاب. من پنج مورد را اینجا نوشتم مرحوم سید جمال اسدآبادی، مرحوم سید حسن مدرس مرحوم آخوند خراسانی مرحوم شیخ محمد تقی بافقی مرحوم کاشانی. راجع به مرحوم سید جمال اسدآبادی امروزه ثابت شده سید جمال اسدآبادی از مریدان مرحوم مولی حسینقلی همدانی است. سالکه اهل سلوک است. نامه هایش با مرحوم مولی حسینقلی همدانی هست، نامه های عرفانی. یعنی می‌خوایم بگویم بخشی از تیزی منی مرحوم سید جمال منوط به همان شاگردی پیش مرحوم ملا حسینقلی همدانی است. مرحوم سید حسن مدرس، مرحوم علامه طهرانی می‌فرمودند مرحوم آقای مدرس اهل معنا بود اهل دل بود و لذا می‌فرمودند می‌ارزد انسان از مشهد برود کاشمر برای زیارت قبر ایشان. بزرگ بود. خود ایشان هم رفته بودن. مرحوم آخوند خراسانی. اخیراً آقا موسی زنجانی شبیری در کتاب جرعه ای از دریا از قول مرحوم آقا سید جمال گلپایگانی نقل کردند که آقا سید جمال گلپایگانی فرمودند اخلاصی را که من در مرحوم آخوند خراسانی دیدم در عهدی ندیدم. خود آقا سید جمال اهل عرفان است. خوب آخوند خراسانی بزرگ مشروطه است. می‌دانید سید جمال مرحوم مدرس، مشروطه، اینها همه مقدماتی برای انقلاب ما بود و از بعضی از اینها مرحوم امام مستقیماً درس گرفته بود. مرحوم شیخ محمد تقی بافقی در مقابل رضاخان ایستاد. مرحوم کاشانی بسیار بی قید بود. اقبال و ادبار مردم برایش هیچ فرقی نمی‌کرد. این‌ها بدون ربط به باطن ممکن نیست. دو سه مورد دیگه عرض کنم بحث ما تمام است.

مورد دیگر از راه گسترده تمایل به انقلاب با برجسته شدن چهره عرفان شیعی آن. داریم میگوییم عرفان هم به انقلاب خدمت کرده. یکی از مصادیق خدمتش این بوده عرفان آمد با برجسته کردن چهره عرفانی انقلاب انقلاب را گسترده. آیت الله سیستانی اخیراً تو ملاقات هاشون این نکته رو زیاد می فرمایند می فرمایند ما گسترش تشیع را در جهان وامدار انقلاب اسلامی ایران هستیم. ما تو نیجریه مگه شیعه داشتیم؟

ده میلیون شیعه اونجا الان یه امتی است برای خودش. راهپیمایی اربعین شیعیان نیجریه بالای ۴ میلیون نفره. نه بین نجف کربلا. می فرمودند ما اینها را وامدار انقلاب اسلامی هستیم. من می خواهم عرض کنم و ما بخشی از این گسترش رو در مولفه های انقلاب، وامدار چهره شیعی عرفان شیعی هستیم. اگر این چهره عرفان شیعی نمی بود این مقدار ما گسترده نداشتیم

آخرین مورد: عرفان شیعی تاثیر گذاری کرده در انقلاب اسلامی ایران از راه مقاوم کردن مردم با تمایلات عرفانی و ایستادن مردم پای انقلاب. بهترین شاهدش وصیت نامه های شهدا است بهترین شاهد. شما وصیتنامه های شهدا را بردارید ببینید می بینید مقاومت در آن پای انقلاب موج میزند. این مقاومت پای انقلاب در این وصیت نامه ها بر میگردد به آن حالات عرفانی که اینها در جبهه داشتن. عزیزان لشکر محمد رسول الله من یادمه اون ایام. این کتاب لباب اللباب مرحوم علامه طهرانی رو تو جبهه بحث می کردند کتاب را بحث می کردند. اینکه اینها در اسارت اینجور مقاومت کردند و آخ نگفتن مال آن تمایلات مال اون حالات عرفانی بود. پس مقاوم سازی مردم در ایستادن پای انقلاب مال عرفان شیعی است. عرفان این را به انقلاب بخشیده

و آخرین مورد از راه کیاست بخشیدن به مردم برای دریافت به هنگام فتنه ها. این کیاستی که ملت ایران پیدا کردن مال این اعتکاف هاست، مال این دعای کمیل هاست مال این عمره رفتن هاست. مال این رشد معنویت در سطح جامعه است. رشد معنویت یعنی رشد همان بخش عرفانی به هر حال انقلاب اسلامی ایران.

زیاده گویی کردم. ببخشید فرصت ما اندک بود بیشتر از این شاید میتوانستم اگر فرصت بیشتری بود کاری کنم اما وقت برای مطالعه بیشتر از این نداشتیم مقداری اندیشه و بعد هم عرائضی تقدیم شد اگر سوالی باشه در خدمتم.

سوال:

جواب: اصولاً ما خواص رو به این معنایی که حضرت تعالی در نظر دارید تعبیر میکنیم به انسان کامل. انسان کامل در عرفان دو تا اصطلاح دارد: گاهی انسان کامل میگویم به معنی کسی که اسفار اربعه اش تکمیل گاهی انسان کامل می گویم به معنی کسی که سفر اولش تکمیل به مقام فنا رسیده به مقام بقا هم رسیده. نسبت به اون مورد اول که اسفار اربعه اش تکمیل باشه از گذشته هم این چنین بوده یعنی مرحوم آقای تهرانی می فرمودند ما در - این عین تعبیر ایشان - می فرمودند ما در هر یک قرن یا دو قرن یا دو نفر یا دو نفر که به اون مقام رسیده باشه داشته باشیم یا نداشته باشیم. یعنی مقام اونقدر بلنده که در هر قرن یا دو نفر داشته باشیم یا نه. پس در اون سطوح ش خیلی مربوط به این نسل و آن نسل نیست خیلی مربوط به این عصر و آن عصر نیست. اتفاقاً ما اعتقاد مون اینه میگویم وقتی در یک رشته ای مثلاً بعد از شهادت شهید شهریاری و شهدای هسته ای ما یک حجه ای از خوش ذهن ها داشتیم به دانشگاهها در رشته هسته ای همه خوشحال شدند گفتن وقتی این تعداد میان خوب اگر قبلاً یک شهریاری می آمد بالا حالا ممکن است سه تا بیاد. درست شد؟ وقتی شما عرفان آمد از توده آمد به سطح متوسط یعنی مردم به این سمت رفتن شما میبینید خوب از همینها انسانهای کامل به وجود میاد دیگه. لذا این چشم انداز هست که اگر این ساحت درست مدیریت بشه ما بتوانیم انشاءالله در قرب عصر ظهور، انسان های کامل بیشتری داشته باشیم فقط باید به مقداری مدیریت بشه که امور مخلوط نشه و بعضی از امور بازاری نشه. درست تدبیر بشه ولی اون به اون سطح و مقام، انصاف اینه که در عصرها و نسل های قبل هم کم بوده الان این چشم انداز رو ما داریم که با این سطحی که از جوانها از مردم زنان مردان آمدن بالا در سطح سلوک، خوب اینها تعدادشون به هر حال لطف الهی که شامله، به کمال برسند و بتونن انجام وظیفه کنند. سوال:

جواب: ببینید گمان ما بر این است که اگر کسی دستش در دست کاملی باشه او در اوج گرفتاری به گونه ای مدیریت میشه و مدیریت می کند که مشکلی براش پیدا نشده، نمونه ش رو عرض می کنم شیخ انصاری شاگرد آقای سید علی شوشتری است. شاگرد عرفانی هم هست مرجع علی الاطلاق شیعه است. یعنی با صدها گرفتاری که یکیش استفتائاته اما سیر خودش رو داره. خود مرحوم امام در اوج گرفتاری اونایی که با ایشان نزدیک بودن میگفتن حالات روحی عرفانی شون رو دارن. سرش هم اینه که ما چطور در بحث تشکیک میگویم کثرت منافی با وحدت نیست. بعضی از کثرات که منشأش ضرورت اجتماعی اسلامی است اگر در زندگی سالک وارد بشه از عالم بالا خود این نیت که به خاطر برداشتن بار مسلمانان کسی به این سمت و سو آمده این باعث میشه که طرف بتواند جمع بین الحقیق کنه و رشد کنه و لذا ما در مورد داشتیم عزیزی که امام جمعه شد در زمان مرحوم علامه

طهرانی. آقای تهرانی به ایشان فرموده بودند سلوک شما و رشد شما از طریق مسائل اجتماعی است و این برای ما عجیب بود که گاهی وقت ها و این رو ما در گذشته هم داشتیم یعنی استاد مرحوم بحر العلوم که استاد مرحوم کاشف الغطاء و اینها هم هست هر کدام از این چهار پنج تا شاگردش رو به ماموریتی فرستاد در طرائق الحقائق داستانش آمده. به یکی گفت تو باید مرجعیت کنی به یکی گفت باید بری ایران. او داره مدیریت می کنه چون بر اساس وظیفه داره کار انجام میشه.

سوال: مشخص کنین منظورتون از عرفان شیعی چی بود؟ یکی از مثال هایی که زدید مطلق تهذیب نفس کردن که در اسلام هم بسیار وارد شده و بهش تاکید شده مطلق تهذیب نفس کردن از همون طرق بسیار شفاف و مشخص وارد شده در آیات و روایات، مطلق این رو شما دارید موثر می دونین. خب این رو اگه بخوایم در نظر بگیریم اهل تفکیک هم ... داشتن. جناب میرزا جواد آقای تهرانی که بیشتر از همه... خود رزمنده ها در نظر گرفتید، یک سری مثال ها زدید، جناب آخوند خراسانی رو مطرح کردین. اینها هیچ کدوم شان از این ها افراد مشتهر در عرفان نیستن. عرفان به معنای اصطلاحی که ما وضع کردیم. عرفان عملی و عرفان نظری که وابسته به مبانی فلسفی مون هست اون عرفان در این ها نبوده.

جواب: عرض کنم خدمتتون که عرفان شیعی چهار تا اطلاق داره، من به این بحث ورود نکردم چون یک موقع دیگری در هم اینجا به این بحث ورود کرده بودم گفتم تکرار میشه. عرفان شیعی چهار اطلاق داره ما در این بحث معنای دوم و سوم اون چهار اطلاق رو در نظر گرفتیم. که یک معنای عام تری است در حقیقت. منتها نکته این است که هیچ معنی نداره که یک انسانی نظراً مخالف با عرفان باشه، عملاً برخی از حالات عرفانی را تجربه کند. مثلاً ما مرحوم سید مرتضی کشمیری را داریم دیگه، در کجا؟ در نجف. با مرحوم آقای قاضی مخالفه. مرحوم آقای قاضی با ایشون مصاحبت میکنه که بتونه از حالاتش استفاده کنه، با این که مخالف با عرفان رسمی شیعی است. ما عرفان شیعی که اینجا گفتیم، به معنای دوم و سوم است از اون چهار اطلاق که داره که حالا او خودش به بحث مفصله، اگر بخوایم بهش ورود کنیم، اون مراد ماست. و در حقیقت داریم اینو در مقابل کسانی مطرح می کنیم که اصلاً به این مقوله نه نظراً معتقدند نه عملاً پرداختند که کم هم نیستند حتی در حوزه ها. میخوایم بگیم در مقابل آنها اونایی که مثلاً رو فقه فقط تاکید می کنند حالا یا با روش اخباری یا روش اصولی. بر فقه و کلام فقط تاکید می کنند. تهذیب نفس به معنای تقوا مراد نیست. سوال: شما رزمنده ها را مثال می زنید. جواب

: رزمنده هایی که اهل کشف هستند. گفتم دیگه. در رزمنده ها گفتم چی مباحثه میکردن؟ کتاب لب اللباب. حالات داشتن. مکاشفات داشتن. خدا رحمت کنه مرحوم علامه طهرانی رو، می فرمودن ۹۸ درصد این دیده شدن امام زمان علیه السلام در جبهه ها مکاشفه بوده یکی دو درصدش اگه رویت بوده. کشف داشتن. یعنی حالات سلوکی پیدا کرده بودند. قبض و بسط داشتن. مرحوم برونسی شب عملیات افتاد به سجده، تو سجده توسط فاطمه زهرا سلام الله علیها بهش آدرس داده شد که دوازده قدم برمیداری بعد ده قدم سمت راست میری. بعد روبه رو را با آری جی میزنی. زده تو اتاق فرمانده. این تاثیرگذاری حالات عرفانی است. ما می خوایم بگیم که در مقابل آن نگاه خشکی که - چون تقوا و تهذیب درجات داره دیگه. از جایی که ایجاد حالات سلوکی می کنه، از اینکه ممکنه این رو یک مرجع تقلیدی نداشته باشه یک بچه بسیجی داشته باشه. اونش ملاک نیست، با اینکه همه مراجع تقلید ما فوق عدالتند. مرجع تقلیده فوق عدالت هم هست اما هیچ حال سلوکی نداره یه بچه بسیجی دارد، چون اون مسیر رو رفته. ما اینجا اصلاً بحث نقد نداشتیم. مگه من گفتم این مطلبی که من امروز دارم میگم منکر داره؟

سوال: فرمودین برخی شاید فقط فقه تنها رو ملاک بدونن و کلام تنها رو ملاک بدونن جواب: نه. گفتیم در مقابل اون دیدگاه، در مقابل کسی که تصور کنه او کافی بوده یا در مقابل کسی که تصور کنه این ها تاثیری نداشته، گفتیم نه. ما جنبه اثباتی بحث رو بحث کردیم نه جنبه سلبی بحث را. گفتیم خدمات متقابل انقلاب اسلامی ایران به عرفان شیعی و عرفان شیعی به انقلاب اسلامی ایران. ما داریم در حقیقت جنبه اثباتی بحث رو میبینیم. اصلاً به جنبه سلبی بحث که کسی این رو منکر باشد و اگر منکر بود چی بهش بگیم، این اصلاً مورد نظر ما مورد بحث ما نبود.

یک سوال کردند که مربوط به بحث ما نیست، راجع به اینکه آقای سروش از چه زمانی و در چه کتابی با چه موضوعی دچار اشتباه شد؟ ظاهراً آقای سروش سه مرحله زندگی داره که در یک مرحله ای که در مدرسه مرحوم کرباسچیان و مرحوم علامه به اصطلاح، مدرسه علوی بوده اون موقع سلیم بوده، آرام آرام زاویه میگیره نسبت به بعضی از آموزه های اسلامی و بعد هم حالا به این وضعیت در میاد که دیدید دیگه اخیراً صحبت هاش چیه.



اما اینکه حالا نقطه آغازین انحرافش از کجاست من رو این زمینه فکر و کار خاصی نکردم که حالا از کجا شروع شده. سوال: میشه بگیم تاثیرات انقلاب اسلامی روی عرفان شیعی ارتقا داد و بیشتر اون ... قبل از انقلاب بیشتر اون جنبه فردیش حاکم بوده؟

جواب: اینو که من به صراحت عرض کردم. به صراحت کردم اصلاً واقعاً ارتقا داد ارتقا داد و عمومی کرد یعنی هم آورد بالا هم به سطح توده کشید و لذا نظر مخالف هم داشتیم، عرض کردم مرحوم آقای خوشوقت خیلی موافق نبودن با اینکه حالا سوال: نه. اصلاً عارف رو عارف اجتماعی ش بکنیم. جواب: این رو ما قبل از انقلاب هم داشتیم، درست شد؟

عرض کردم سید سعید حبوبی، مثل مرحوم سید حسن مدرس. اینو ما قبل از انقلاب هم داشتیم. بعد از انقلاب این خیلی دیگه نمود پیدا کرد با شخصیت مرحوم امام. درسته. سوال: یک مطلبی که البته اشاره هم کردین، با این جامعیتی که به رشد! داد عرفان شیعی باعث شد که خیلی از انحرافات جلوگیری شود، مثلاً ما نمونه های زیادی داریم در شخصیت های انقلاب اسلامی، بعد از انقلاب وارد کارهای اجتماعی شدن منحرف شدن. حالا یک بررسی اجمالی که شده بود این بود که اکثرشون از مقوله عرفان جدا بودن یعنی تهذیب نفسی نداشتن. جواب: درسته. این مورد قبوله. در حقیقت بفرمایید در حراست و صیانت شخصیت های انقلاب، عرفان شیعی تاثیرگذار بود. کسانی که نم بوی عرفان، خلاصه آنها را گرفته بود آنها سالم زیستن منحرف نشدن. درسته. قابل توجه. این نکته ای است که باید به مطالبم اضافه کنم. موفق باشید منصورباشید

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»